

مبانی پرورش اجتماعی تیزهوش نقش فرد، خانواده، مدرسه و جامعه

ناصرالدین کاظمی حقیقی

در این مقاله «نقش فرد تیزهوش»، «خانواده»، «مدرسه»، و «جامعه» در «پرورش اجتماعی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قلمرو فردی، ویژگی‌های تیزهوش (در ابعاد انگیزشی، نگرشی، شناختی، شخصیتی، کلامی و رفتاری)، نوع تیزهوشی، سطح هوش، جنسیت، تحول، و طبقه اجتماعی - اقتصادی، اساسی‌ترین بنیادهای میزان پرورش پذیری وی را تشکیل می‌دهند. فرد تیزهوش از خانواده، مدرسه، جامعه بعنوان نهادهای پرورش اجتماعی، انتظاراتی ویژه دارد. بنابر این سهم هر یک از سه نهاد مزبور در پرورش اجتماعی فرد تیزهوش به میزان رضایت وی از آنها، وابسته است. مهمترین انتظارات فرد تیزهوش از این نهادهای پرورشی، بر شمرده می‌شود.

«پرورش اجتماعی» فرد تیزهوش تحت تأثیر حوزه‌های متعددی شکل می‌گیرد؛ فرد، خانواده، مدرسه، جامعه، قلمروهای اساسی پرورش اجتماعی او را تشکیل می‌دهند.

الف - نقش فرد تیزهوش

اصولاً رابطه میان هوش و آمیزش اجتماعی تحت تأثیر سطح هوش، جنسیت، سن، نوع تیزهوشی، و جایگاه اقتصادی-اجتماعی قرار دارد.

می‌دانیم که تأثیرپذیری محیطی فرد بستگی به سطح هوش (هوشبهر) وی دارد و نیز شرایط محیطی در کنار ویژگی‌های انگیزشی موجب شکوفایی استعدادای ویژه آدمی است. جنبه‌های اجتماعی، حتی در تعریف تیزهوشی نیز ریشه دوانیده است؛ یعنی روابط اجتماعی، رهبری و سازماندهی از مؤلفه‌های نخستین تعریف تیزهوشی قلمداد می‌شوند. «رهبری» به عنوان نوعی تیزهوشی، خصوصیات نظیر ارتباط (تبادل پیام اطلاعاتی) و روابط انسانی را شامل می‌شود. از طرف دیگر، هر چه هوش افزایش می‌یابد، فردیت نیز سیر صعودی نشان می‌دهد. بنابر این تنوع هوشی در میان تیزهوشان گستره بیشتری در مقایسه با افراد عادی دارد. بطور کلی تعامل و همنوایی اجتماعی در میان تیزهوشان از زمینه‌های انگیزشی، شخصیتی، شناختی و نگرشی وی نشئت می‌گیرد.

براساس پژوهش‌های موجود، برخی انگیزه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی از لحاظ اجتماعی در فرد تیزهوش نسبت به افراد عادی، برتری قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهند. علاوه بر آن، انگیزه نسبت به قوام فردی، کار مستقلانه برای پیشرفت و کسب فضایل حتی در بزرگسالی، بذله‌گویی و اضطراب کم (به‌ویژه در مقطع سنی ۶ تا ۱۸) برخی زمینه‌های جامعه‌پذیری و نفوذ اجتماعی را فراهم می‌آورند.

ویژگی‌های شخصیتی از لحاظ اجتماعی همراه با میزان برتری بر حسب درصد بر افراد عادی

میزان برتری	ویژگی‌های اجتماعی	میزان برتری	ویژگی‌های اجتماعی	میزان برتری
۵۸	مهربانی و همدردی	۶	میل به عضویت	۵۲
۷۴	شوخ طبیعی	۷	میل به محبوبیت و تحسین شدن	۵۷
۶۳	ثبات خلقی	۸	کمال‌جویی و برتری طلبی	۸۴
۸۱	تسلط بر خود	۹	صداقت در کار	۷۱
			سخاوت	۵۵

در حوزه شناختی، برتری در توانایی کلامی و استدلال بیانی، نکته سنجی، و سرعت انتقال از طریق وسعت دایره لغات و کمی‌خسونت کلامی، روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند. اما تنوع واژه‌ها، ممکن است برخی معضلات در آمیزش اجتماعی را پدیدار سازد.

«خودباوری»، به منزله بنیادی‌ترین نگرش فرد تیزهوش، نیز از نوعی همبستگی با سازگاری اجتماعی برخوردار است. خودمختاری، استقلال قوی، اعتماد بنفس، و موضع درونی نظارت، شرایطی را برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی فراهم می‌آورد. تمایز میان خود و دیگران، درکی است که در نتیجه رشد هوش به فرد دست می‌دهد و تعدیلی در خود محوری ایجاد می‌کند. اما آیا خودباوری (ناشی از هوش) می‌تواند در ارتباط با قضاوت اخلاقی قرار گیرد؟ رشد قضاوت اخلاقی را بعنوان توانایی فرد در تصمیم‌گیریه‌ای متعالی پیرامون آداب و ارزشهای انسانی تعریف کرده‌اند. بررسی مراحل قضاوت اخلاقی، گویای وجود نوعی توازی میان آن و رشد هوش می‌باشد؛ مثلاً مرحله اخلاقی عینی، معادل مقطع تفکر پیش عملیاتی است.

بطور کلی استدلال اخلاقی رابطه کمی با هوشبهر نشان می‌دهد. (۳۱/۰ براساس S-B و ۱۴/۰ براساس و کسلر) بنابر این استنباط می‌شود که فضایل اخلاقی به عوامل غیر از هوش تحصیلی و اجتماعی ربط می‌یابد؛ اما حداقلی از هوش برای آمیزش اجتماعی، لازم است. بزهکاری جوانی، در میان افراد تیزهوش کمتر از افراد عادی است. همچنین اختلالات شخصیت، الکلیسم، جنون و اختلالات جنسی. بررسیهای پژوهش شده، نشان می‌دهند که سازگاری خانوادگی و تشکیل زندگی و تعامل مناسب زناشویی، معادل یا برتر از جامعه عادی است و میزان طلاق و متارکه نیز بیشتر از سطح عادی نیست. اما مع هذا باید خاطر نشان ساخت که هوش فوق العاده می‌تواند معضلی اجتماعی ایجاد کند؛ کودکان تیزهوش از علایق متفاوت، مهارت زبانی فوق العاده، و دانش و بینش وسیعتری برخوردار می‌باشند. این ویژگیها می‌توانند اثر معکوسی در پذیرش اجتماعی برجای بگذارند. لذا کودکان مزبور ممکن است اغلب فعالیتهای انزوایی را برگزینند و احتمالاً تصور می‌شود که آنها، کمتر اجتماعی هستند. از مطالب فوق بر می‌آید که افزایش هوش، لزوماً موجب تعامل مفید و سازگاری مطلوب اجتماعی نیست. افراد تیزهوش بعلت سوء تفاهم و عدم درک صحیح از سوی دیگران، به سادگی در میان دیگران (افراد عادی) پذیرفته نمی‌شوند. از طرفی، پیشرفت گرایي مفرط اجتماعی، گاهی موجب بروز ناسازگارهای روانی است.

ترس از موفقیت به ویژه در میان دختران بالغ، آزردهیهای روانی را پدید می‌آورد و «حرمت خود» ضعیف نیز ممکن است منجر به ناسازگارهای فرد تیزهوش شود. ناسازگارهای روانی تیزهوش ممکن است حتی به بروز بحرانهای خطرناک تری بینجامد:

پافشاری بر تعالی جویی و کمال‌گرایی همراه با توقعات اجتماعی برای پیشرفت، حتی ممکن است تیزهوش را بسوی خودکشی، سوق دهد. نوع تیزهوشی نیز با جامعه‌پذیری و همنوایی اجتماعی رابطه دارد.

برخی از انواع تیزهوشی مانند پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی بیشتری را نمودار می‌سازند. گرچه نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که نوجوانان تیزهوش از لحاظ تحصیلی، رشد قضاوت اخلاقی برجسته تری نسبت به همسالان عادی نداشتند، ولی همین مطالعات گویای آن است که آنها از توانمندی بروز اخلاقی و ارزشی سریعتری برخوردارند. «رقابت طلبی»، «تقلید»، «پشتکار فراوان» و «نظم جویی» به معنای جذب و پذیرش مقررات و قانونمندیهای قراردادی محیطی، سازگاری وی را با جامعه، افزایش می‌دهد. تیزهوش پیشرفته، به علت وجود نوعی جاه طلبی خاص، در پی کسب هویت و جاه و مقام ویژه خود در صحنه جامعه عادی است و کودکان پیشرفته، همچنین، از لحاظ اجتماعی پذیرنده تر و اجتماعی تر از همسالان عادی بنظر می‌آیند. در سایر انواع تیزهوشی، نظیر چنین سازگاری را نمی‌توان یافت.

احتمالاً تیزهوشی اجتماعی، مستقل از هوش و شناخت اجتماعی (و عامل اعطای نقش) رشد می‌کند و رهبری به عنوان نوعی

تیزهوشی اجتماعی، شرایطی ویژه از سازگاری را می‌طلبد؛ سازگاری جامعه با خویش. تیزهوشان رهبر از طریق پذیرش نظام ارزشی و فرهنگ موجود جامعه به دگرگونی ساختارهای آن پرداخته و نظام ارزشی مورد نظر خود را محقق می‌بخشند.

اما در تیزهوشی غیر کلامی یا انتزاعی، تعامل اجتماعی ضعیفی وجود دارد. اغلب مطالعات، رابطه ای میان خلاقیت و ناسازگاری هیجانی نشان نمی‌دهند. حتی نگرشهای خلاقانه با برخی صفات اجتماعی نظیر برونگرایی و خونگرایی، همبستگی نشان می‌دهند. مع هذا افراد خلاق نیز به تکوین و تحقق نظام ارزشی مطلوب خود در جامعه می‌اندیشند و گرایش فراوانی به آن بروز می‌دهند. گرچه نیاز فرد خلاق به توجهات محیطی بیش از سایر انواع تیزهوشی است، اما در پذیرش نظام ارزشی رایج در جامعه عادی از نارسائیهای رنج می‌برند. آنها نیز سعی دارند به سازگاری جامعه با خود پردازند و گاهی بیشترین بها را در قبال آن می‌پردازند؛ یعنی فردیت خویش را اعطا می‌کنند بدون آنکه ساختار موجود را از طریق تحمیل و فشار و جبر بپذیرند و در قبال آن، مدارا نمایند.

جامعه‌پذیری و هم‌نوایی اجتماعی در تیزهوشان، می‌تواند تحت تأثیر جنسیت و طبقه اقتصادی - اجتماعی قرار گیرد؛ مثلاً پیشرفت تحصیلی فوق العاده در میان نوجوانان پسر تیزهوش طبقه متوسط بیش از طبقه پایین، مطلوبیت دارد. زیرا مقدمه ای برای کسب تخصص (و وجهه مطلوب اجتماعی) محسوب می‌شود. گرچه، پسران به فعالیتهای ورزشی در قیاس با تحصیل، اهمیت بیشتری می‌دهند، اما برجستگی تحصیلی آنها کمتر از دختران، به روابط و آمیزش اجتماعی، صدمه می‌زند. بطور کلی زیان توانایی فوق العاده دختران به آمیزش مردمی و تعامل محیطی بیش از جنس مقابل است. علاوه بر آن، دختران تیزهوش از برخی مسائل و آزردهیهای اجتماعی رنج می‌برند که در جنس مذکر دیده نمی‌شود: کمرویی شدید، ممنوع‌گرایی فراوان و گرایش کم به تشخیص طلبی. زنان تیزهوش کماکان از موفقیت، می‌هراسند و گاهی بطور ارادی تمایل به شکست نشان می‌دهند (برای مراقبت و توجه محیطی بیشتر) و نیز از عدم لیاقت خویش، در اضطراب بسر می‌برند.

بدون توجه به سطح تیزهوشی، پرورش اجتماعی، امکان پذیر نیست. بطور طبیعی در هر ۱۰۰۰ نفر، ۶ تیزهوش یافت می‌شود اما در سطح نبوغ (هوشبهر مساوی یا بالاتر از ۱۷۰) در هر ۱۰۰ هزار نفر، یک نفر دارای هوشبهری میان ۱۷۰ تا ۱۸۰ است و در هر یک میلیون نفر، فقط یک نفر یافت می‌شود که از هوشبهر بالاتر از ۱۸۰ برخوردار باشد. این افراد، تکلم را تقریباً از ۱۴ ماهگی آغاز می‌کنند و در ۳۶ ماهگی قادر به مطالعه هستند. در هر حال از لحاظ اجتماعی ممکن است استثنایی یا «دیوانه»! بنظر آیند. در تعامل همسالی بشدت مشکل دارند و از ناسازگاریهای اجتماعی شدیدی رنج می‌برند. بنابر این ناگزیرند در نوعی انزوا بسر برند. در یک نمونه از نوابغ، ۳۴ زن و ۴۷ مرد (دارای هوشبهر بالاتر از ۱۷۰) کشف شد. پیگیری موقعیت شغلی مردان نابغه نشان داد که از سطح فوق العاده ای برخوردارند اما برای زنان، تفاوتی بدست نیامد.

دایره کلامی (لغات) یک گروه از کودکان هفت ساله نابغه ($170 >$ هوشبهر) برای همسالان آنها، نامفهوم و بی معنا بود. این امر می‌تواند از دلایل اساسی در ناسازگاریهای اجتماعی نوابغ باشد.

اقدامات آموزشی براساس نیازهای تحصیلی نوابغ مستلزم «تسریع» و «جهش تحصیلی» است. اما همین کوششها، خود منجر به پدیدآیی و بروز معضلات پرورشی بویژه ناتوانی در رقابتهای ورزشی و مانند آن می‌گردد. جنبه مثبت و مفید جهش و تسریع، این است که احتمالاً مانع گسترش مسائل جدی کم‌آموزی و ناسازگاریهای همسالی در محیطهای آموزشی می‌شود.

بطور کلی تفاوتهای موجود در هوشبهر، اثر کمی در مدارج تحصیلی، اشتغال، ازدواج، و رضایت خانوادگی دارد. اینطور نیست که همه نوابغ، سازگاری اجتماعی داشته باشند و در بزرگسالی از فعالیتهای مولدی برخوردار باشند. بهر حال از طریق مشاوره انفرادی می‌توان به پذیرش و سازگاری نوابغ با جامعه عادی و عموم مردم و بالمآل بهره برداری از سرمایه و توان شخصی آنها مبادرت نمود.

در پرورش اجتماعی فرد تیزهوش باید به ویژگیهای تحولی وی نیز توجه نمود. «هوش»، همبستگی مثبتی با «درک و شناخت

اجتماعی» دارد و نیز تحول شناختی در میان تیزهوشان سریعتر است. لذا کودکان تیزهوش زودتر از همسالان عادی خود می‌توانند به سطوح عالی درک اجتماعی برسند. اما باید توجه کرد که در میان تیزهوشان پیش دبستانی، هوشبهر، بیش از رفتار اجتماعی (تعامل) با درک اجتماعی همبستگی نشان می‌دهد و اعطای نقش و نمرات هوشبهر، پیش بین استواری برای رفتار اجتماعی نیست. پیشی جویی تحولی حتی تا دو سال نیز در دوره پیش دبستانی مشاهده شده است که ممکن است به قضاوت اخلاقی پیش‌رس‌تر منجر شود. در یک مطالعه دیگر نشان داده شد که قضاوت‌های اخلاقی تیزهوشان ۴ تا ۷ ساله، سازگاری بیشتری با نظام ارزشی جامعه دارد و تعالی اخلاقی قابل ملاحظه‌ای نمایان و مشهود است. استدلالها غالباً مربوط به ارضای نیازهای متقابل بود و واکنش متقابل بیشتری در تیزهوشان ۵ تا ۷ ساله در مقایسه با همسالان عادی، بدست آمد.

در مقطع ابتدایی، گرایش به انتخاب شدن بعنوان دوست بیش از همسالان غیر تیزهوش است و کودکان تیزهوش ۸ ساله، در گزینش دوست و روابط همسالی، دوستان مسن‌تر را ترجیح می‌دهند؛ آنها به علت تیزی و زیرکی شدید خود، از دوستان اندکی برخوردارند، گرچه شرح صدر و انعطاف بیشتری نشان می‌دهند و افراد مختلف و متنوعی را بعنوان دوست بر می‌گزینند، اما بطور کلی هوش، نقش مفیدی را در روابط اجتماعی ایفا نمی‌کند.

در یک مطالعه بر روی کودکان پایه ۶ تحصیلی (تیزهوش و عادی)، رابطه قابل ملاحظه‌ای میان گستره‌واژگان و استدلال اخلاقی بدست نیامد ($R = 0/33$)؛ اما نمرات قضاوت اخلاقی کودکان تیزهوش بالاتر از همسالان عادی بود. گرچه نمی‌توان گفت که همه تیزهوشان از این حیث (استدلال اخلاقی) برتری داشتند، اما پیش‌رسی اخلاقی در قضاوت، در حدود یک سوم مرحله بود. مطالعه دیگر حاکی است که تیزهوشان، دارای مسائل اخلاقی کمتری در کلاس درس هستند. تفاوت در نتایج را ممکن است به اختلافات میان ابزارها اسناد داد.

مطالعات در مقاطع متوسطه و کالج نشان می‌دهد که تیزهوشان، خودکفاتر، مستقل‌تر، و دارای موضع نظارت درونی و نیز خودباوری مثبت‌تری نسبت به جامعه عادی می‌باشند. خودباوری‌های تحصیلی و اجتماعی تیزهوشان پایه‌های ۷ تا ۹ در مقایسه با جامعه عادی بالاتر بود. در آستانه بلوغ، برخی مسائل روانی - اجتماعی، تیزهوش را رنج می‌دهند: «تنیدگی» میان کارکرد و انتظارات، «تعارض» میان انتظارات شخصی و توقعات محیطی و تلاش برای نیل به هویت.

ب - نقش خانواده

توجه و لحاظ اهمیت رشد و پرورش مهارت‌های اجتماعی فرد تیزهوش از جانب والدین، اساسی‌ترین تمهید پرورشی بشمار می‌آید. معمولاً توجه و تأکید والدین نسبت به سطح تحصیلات و عملکرد مربوطه، بیش از رشد اجتماعی است و تعالی و پیشرفت درسی بمراتب بیش از تعامل اجتماعی، مهم تلقی می‌شود و پاداش داده می‌شود. از این رو نوجوانان تیزهوش ۱۴-۱۱ ساله بیش از خودباوری اجتماعی، وضعیت تحصیلی برجسته‌تر را بروز می‌دهند.

یک بررسی تعاملی نشان می‌دهد که نیرومندی ارثی تیزهوش ممکن است به فراهم آوری رفتارها و موضع‌گیریهایی پدر و مادر یاری دهد. بطور کلی تیزهوشان شباهت بیشتری با والدین خود دارند. اما با حضور یک کودک تیزهوش، خانواده نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد: رقابت میان اعضای خانواده، حسادت خواهران و برادران و ناکامی والدین در تشخیص و توجه به تک تک قریحه‌ها و ویژگیهای انحصاری اعضا.

تیزهوشی کودک ممکن است بیش از تأثیر بر روابط والدین - فرزند، بر روابط برادر و خواهری تأثیر بگذارد.

در هر حال، هرگونه تدبیر پرورش اجتماعی در قلمرو خانواده باید، نکات زیر را در محور توجه قرار دهد:

۱- عدالت و رزی میان فرزندان - پرهیز از تبعیض و رعایت عدالت در میان فرزندان، اساسی‌ترین عامل آرامش محیط خانوادگی است. از نقطه نظر تیزهوش نوجوان و جوان، محیط آرام خانوادگی، مهمترین عامل رضایت وی را از خانواده تشکیل می‌دهد.

۲- همیاری تحصیلی فرزند - فراهم آوری آموزش مستقیم مهارت‌های تحصیلی و اجتماعی به تقویت جامعه‌پذیری کمک

می‌کند. استدلال کردن با کودک، شکل دادن رفتارها از طریق پس‌خوراند اطلاعاتی، و فراهم آوری موقعیتهایی برای کاوش و جستجوی علمی، شرایط را برای توسعه «تفکر واگرا» در فرزند مهیا می‌سازد؛ زیرا تفکر واگرا مستلزم توجه محیطی فوق‌العاده نسبت به فرزند است.

۳- تعدیل توقعات - انتظارات واقع‌بینانه از فرزند تیزهوش، ملازم با پرهیز از مقایسه وی با همسالان است. از این طریق می‌توان انتظارات محیطی را در قالب مقررات و قوانین بیان نمود.

۴- درک مشکلات ویژه فرزند تیزهوش - این نکته، معنای اساسی درک و شناخت فرزند است و ستون و بنیاد آن را تشکیل می‌دهد. فرزند تیزهوش (کودک، نوجوان و جوان) نیاز دارد تا از همیاری خانواده درنیل به اهداف زندگی شخصی برخوردار شود.

۵- توجه و احترام به عقاید و نظریات فرزند - این امر موجب ایجاد روابط صمیمی و دوستانه با فرزند تیزهوش می‌شود. باید توجه کنیم که یک فاصله سنی ۳ سال میان فرزندان، به گرمی روابط برادری و خواهری کمک می‌کند. علاوه بر آن، تیزهوش نیاز دارد که از آزادی عمل کافی در محیط خانوادگی برخوردار باشد. زیرا از سوی دیگر، توان و شایستگی آنرا نیز دارند. در چنین شرایطی، معمولاً والدین، الگوها و مراجعی برای تقلید قرار می‌گیرند.

۶- تشویق و ترغیب فرزند در خانواده - بهره‌گیری از پادشاهای کلامی و بدنی و رفتاری و پرهیز از انتقاد و خرده‌گیری به تکوین رضایت خانوادگی کمک می‌کند.

۷- پرهیز از حساسیت نسبت به نمره - گرچه ممکن است حساسیت مزبور به نفع تیزهوش پیشرفته باشد اما محیط خانوادگی را برای افراد خلاق و تیزهوشان غیر پیشرفته، رنج آور می‌کند.

ج - نقش مدرسه

ناسازگاری اجتماعی از عوامل کم‌آموزی و شکست تحصیلی تیزهوشان محسوب می‌شود.

رعایت برخی نکات در محیط اجتماعی مدرسه، به پرورش اجتماعی فرد تیزهوش مدد می‌رساند:

۱- رفتار منصفانه معلم نسبت به دانش‌آموز تیزهوش - این امر سبب آرامش و صمیمیت محیط تحصیلی است و به تسلط علمی معلم ارتباط دارد؛ یعنی معلمان مسلط، از انصاف نیز برخوردارند که مرجعیت علمی برای تیزهوش در فرد معلم ایجاد می‌کند و تحکیم رابطه اجتماعی را ثمر می‌دهد.

۲- تعدیل انتظارات معلم نسبت به دانش‌آموز تیزهوش - اینطور نیست که کلیه کودکان تیزهوش در دانش و رفتار اجتماعی، نیرومند باشند. کودکان فوق‌العاده پیشرفته ممکن است احساس کنند که در موقعیتهای علمی، خنثی شده‌اند و احساس شکست و ناکامی نمایند. از طریق تعدیل انتظارات می‌توان نقشها و توقعات محیطی را در دانش‌آموز تیزهوش، تکوین بخشید.

۳- ارتباط عاطفی معلم با دانش‌آموز تیزهوش - معلمی با این ویژگی، ستون یک برنامه اختصاصی مناسب با نیازهای دانش‌آموزان تیزهوش را تشکیل می‌دهد. توانایی راهنمایی و مشاوره، جذابیت شخصی و نظم و سازماندهی از جمله ویژگیهای بسیار مهم معلم ویژه تیزهوش است. تأکید دانش‌آموزان تیزهوش بر بعد شخصی - اجتماعی معلم بیش از توانمندیها و قابلیت‌های هوشی و تحصیلی وی است. توانمندی راهنمایی و مشاوره معلم بویژه در اصلاح بنیادهای شناختی افراد خلاق در رابطه با محیط، بسیار مؤثر است. این معلمان، فرصتهایی را برای تعامل اجتماعی در اختیار دانش‌آموز تیزهوش می‌گذارند و به سازگاری دانش‌آموز با جو کلاس کمک می‌کنند.

وجود برنامه متناسب با نیازهای دانش‌آموزان تیزهوش، از این حیث اهمیت دارد که کسب دوستان متجانس از لحاظ هوشی، یکی از بنیادهای آموزشی ویژه را برای ترجیح محیطهای تحصیلی تفکیکی تشکیل می‌دهد؛ علی‌رغم آنکه ممکن است

به کاهش خودباوری تیزهوشان بینجامد. زیرا محیط‌های تفکیکی، تعداد زیادی از دانش‌آموزان توانا را در یک محیط، گرد می‌آورند. برنامه‌های ویژه، امکان مقایسه میان خود و دیگران را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب باعث کاهش خودباوری می‌شود؛ یعنی زندگی در محیط آموزشی عادی، خودباوری تیزهوش را افزایش می‌دهد. اما حتی در محیط‌های ویژه نیز، خودباوری تیزهوش بیش از افراد عادی است. تاکنون در هیچ مطالعه‌ای یافت نشده که نشان دهد، خودباوری تیزهوش نازل تر از فرد عادی است.

برخی از افراد تیزهوش مشکلاتی اساسی در شکل دهی «خود ارزیابی واقع‌گرایانه» دارند و برای خود، توقعاتی را ترتیب می‌دهند که ممکن است ناکام شوند. برخی از آنها، احساس بی‌کفایتی می‌کنند و در شرایطی که از محیط آموزشی عادی، تفکیک شوند، محیط رقابت‌آمیز جدید، آنها را در میدان چالش با حریفان قدرتمند، قرار می‌دهد.

در محیط‌های آموزشی عادی، تیزهوش تشخیص می‌دهد که در سطحی متفاوت از افراد عادی عمل می‌کند. لذا احساس غربت و ناامنی به وی دست می‌دهد. اگر وی، نیروهای خود را بر پیشرفت تحصیل متمرکز نماید، احتمالاً به تعامل اجتماعی و آمیزش محیطی وی خدشه وارد می‌آید.

۴- همیاری اولیای مدرسه در حل مسایل شخصی فرد تیزهوش - این امر، ملازمت با تشویق پیشرفت‌های مدرسه‌ای دانش‌آموزان تیزهوش دارد. برخی از افراد فوق‌العاده پیشرفته احساس می‌کنند که از لحاظ اجتماعی از شایستگی و کفایت لازم برخوردار نیستند و لذا نیاز دارند تا فرصت‌ها و تشویق‌های محیطی برای پرورش مهارت‌های اجتماعی خویش در اختیار داشته باشند. تشویق فعالیت‌های هوشمندانه دانش‌آموز تیزهوش نیز به تقویت تعامل کمک می‌کند. اولیای مدرسه، علاوه بر آن باید به فعالیت‌ها و کوشش‌های علمی و تحقیقاتی دانش‌آموزان، اهمیت دهند.

۵- وجود فعالیت‌های فوق برنامه رضایت بخش - در این شرایط از امکانات آموزشی مورد نیاز نیز بهره‌گیری می‌شود؛ یعنی بدون وسایل و تجهیزات کمک آموزشی، فعالیت‌های فوق برنامه شکل نمی‌گیرد. اصولاً میزان مشارکت افراد تیزهوش در فعالیت‌های فوق برنامه بیش از افراد عادی است. آنها در مسایل غیر درسی مورد علاقه، کنجکاوی بیشتری نشان می‌دهند که این نکته می‌تواند پایه‌ای برای مشارکت‌های گروهی آنها قلمداد شود. کار در مدرسه برای دانش‌آموزان یک ضرورت است. اگر تیزهوشان از نوع خلاق باشند، مرجعیت خلاقانه معلم می‌تواند در تکوین تعامل مفید، مؤثر باشد. علاوه بر آن، شکل‌گیری فضای همسال خلاق، تعامل خلاقانه را میان تیزهوشان خلاق گسترش داده پرورش اجتماعی را تسهیل می‌سازد.

۶- اصلاح نظام ارزشیابی - دانش‌آموزان تیزهوش، نیاز دارند تا نظام سنجش و ارزشیابی تحصیلی براساس توانمندی آنان عمل کند. تقویت و گسترش نظام مزبور در محیط‌های آموزشی، جذابیت مدرسه را بعنوان نهادی اجتماعی، افزایش می‌دهد.

۷- عرضه مطالب درسی رضایت بخش - کتاب درسی از محورهای اساسی تعامل اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد تیزهوش را تشکیل می‌دهد. کتاب درسی باید به توسعه ابزارهای ارتباطاتی و اطلاعاتی عمومی و مردم‌پذیر، پردازد و رشد فرهنگی و ارزشی را تقویت نماید. از طرق مختلف باید به تقویت رابطه میان فرد تیزهوش و کتاب درسی که از لحاظ فرهنگی غنی شده است، پرداخت.

د- نقش جامعه

نفوذ جنبه‌های اجتماعی در زمینه مورد بحث آن چنان است که تعاریف، مفاهیم و بطور کلی مبانی را نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار داده هویت خاصی بخشد. برخی از این مفاهیم و تسمیه‌ها موجب سوء تفاهمات فرهنگی و اجتماعی می‌شود؛ لذا نیاز به بازنگری و اصلاح مفاهیم در درون هر جامعه‌ای، ضروری بنظر می‌رسد. اما مجدداً تأکید می‌شود که تأثیر بخشی محیطی را قالب تکوینی فرد تیزهوش، تعیین می‌نماید. ویژگی‌های تکوینی غالب افراد تیزهوش چنان است که در هر شرایط اجتماعی اگر شیء‌گرایی ترغیب شود، ممکن است به تعامل، جامعه‌پذیری و پرورش اجتماعی آنها آسیب وارد آید.

جامعه باید به ضرورت و لزوم پرورش اجتماعی نخبگان و افراد تیزهوش پی ببرد. نقش حیاتی و تأثیر تام نخبگان در توسعه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دفاعی، و سرانجام کسب حیثیت جهانی و مرجعیت بین المللی، غیر قابل انکار است و از سوی دیگر، عدم پرورش ویژه، موجب آسیب روانی، بزهکاری اجتماعی، و گسترش استبداد و استثمار در جوامع بشری و تکوین آسیبهای ارزشی می گردد.

پرورش اجتماعی آحاد تیزهوش در گرو رضایت اجتماعی آنان است و خوشنودی و رضایت اجتماعی آنها بستگی به میزان ارضای انتظارات اجتماعیشان دارد. تاکنون سیزده عامل بسیار مهم در تکوین رضایت اجتماعی نخبگان در جامعه ما، تشخیص داده شده است:

- ۱- پذیرش اجتماعی - پذیرفتن تمامیت وجودی فرد تیزهوش از لحاظ عقاید، نیازها، تواناییها، احساسات و پرهیز از هر گونه تبعیض در جامعه.
- ۲- تعدیل انتظارات جامعه - جامعه باید توقعات خود را در سطح واقعیت‌های موجود فرد تیزهوش تعدیل نماید.
- ۳- درک - درک، فهم و شناسایی صحیح پدیده و مفهوم تیزهوشی و شخص تیزهوش.
- ۴- منزلت - به رسمیت شناختن موقعیت و نقش منحصر بفرد و اختصاصی فرد تیزهوش در صحنه جامعه.
- ۵- پیشرفت اجتماعی - ارتقاء و توسعه همه جانبه جامعه.
- ۶- اعتلای فرهنگی - تعالی و پیشرفت فرهنگ، نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی.
- ۷- محبت - مهربانی و دوستی اجتماع نسبت به فرد تیزهوش.
- ۸- شناخت جامعه توسط فرد تیزهوش - درک درست واقعیت‌های اجتماعی، ساختار وجودی و ماهیت انتظارات جامعه.
- ۹- حمایت - پشتیبانی مادی و معنوی جامعه از تواناییها و فعالیتها و نگرشهای ویژه تیزهوش.
- ۱۰- احترام - ارجگزاری و ارزش نهادن به فعالیتها، عقاید و هنجارهای فرد تیزهوش در صحنه جامعه.
- ۱۱- استقلال - رعایت فردیت و استقلال فرد تیزهوش توسط جامعه و به رسمیت شناختن حریم شخصی وی.
- ۱۲- امنیت - حاکمیت نظم، ثبات، و آرامش در صحنه جامعه.
- ۱۳- تعامل - معاشرت و مصاحبت فرد تیزهوش با جامعه خود.

منابع

- ۱- کاظمی حقیقی، ناصرالدین. مقالات مندرج در شماره های مختلف مجله استعداد‌های درخشان.
- ۲- شوون، رمی. (۱۳۶۶). *سرآمدها (کودکان تیزهوش)* - ترجمه محمود مینا کاری - نشر دانشگاهی. صفحات ۵۸ و ۵۹



